

## The Role of Attachment in risky behaviors of male high school adolescent students

**Hasan Rezaei. Ph.D.**

Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

**Jafar Hasani. Ph.D.**

Assistant Professor, Psychology Department, Kharazmi University, Tehran, Iran.

**Mohamad normohamadi najafabadi. PHD student**

Educational Psychology, Islamic Azad University of Isfahan(khorasgan), Isfahan, Iran.

### Abstract

From the perspective of the evolutionary psychology, the range of adolescents, the period of the review of psychological symptoms can be considered. The aim of this study was to investigate the role of attachment styles in adolescent's risky behaviors. The statistical population of the study was 2570 male high school students in Najaf Abad city (Isfahan) in the academic year of 2012-2013. A multi-stage random cluster sampling method was used to select 247 of them. Measuring tool included scale attachment styles (Collins & Read, 1990) and Iranian Adolescent Risky Behavior Scale (Zade Mohammadi & et al, 2012). The results of stepwise multi-variable regression analysis indicated that Safe attachment style of hazardous driving components, violence, smoking, and alcohol use high risk behaviors with 4, 6, 8, and 11 percent of their variance, respectively, and negatively predicted respectively. The avoidant attachment style predicted components of drug use and friendship with the opposite sex by explaining 13 and 8 percent of their variance and ambivalent attachment style, predicting the components of friendship with the opposite sex and sexual relationship and sexuality by explaining 6 and 5 percent of their variance. These results indicate that attachment styles play an important role in the tendency and prevention of risky behavior in the students and young adults.

**Keywords:** risky behaviors, attachment styles, adolescent

## نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مقطع متوسطه دوم

حسن رضایی جمالویی\*

دکتری روان‌شناسی سلامت، گروه روان‌شناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

جعفر حسینی

دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

محمد نورمحمدی نجف‌آبادی

دانشجو دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

### چکیده

از منظر روان‌شناسی تحولی می‌توان به گستره نوجوانی، دوره مرور علائم مرضی روان‌شناختی اطلاق نمود. هدف این پژوهش بررسی نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان بود. جامعه آماری ۲۵۷۰ نفر از دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان نجف‌آباد (اصفهان) در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۲۴۷ نفر از آن‌ها انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل مقیاس سبک‌های دلبستگی (کولینز و رید، ۱۹۹۰) و مقیاس رفتارهای پرخطر نوجوانان ایرانی (زاده‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۰) بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری به شیوه گام‌به‌گام نشان داد سبک دلبستگی ایمن مؤلفه‌های رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن و مصرف الکل رفتارهای پرخطر را به ترتیب با ۴، ۶، ۸ و ۱۱ درصد واریانس آن‌ها به صورت منفی، سبک دلبستگی اجتنابی مؤلفه‌های مصرف مواد و دوستی با جنس مخالف را با ۱۳ و ۸ درصد واریانس آن‌ها و سبک دلبستگی دوسوگرا مؤلفه‌های دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی را با ۶ و ۵ درصد واریانس آن‌ها مورد پیش‌بینی قرار داده است ( $p < 0/05$ ). این نتایج نشان می‌دهد سبک‌های دلبستگی نقش مهمی در گرایش یا پیشگیری از گرایش دانش‌آموزان و نوجوان به رفتارهای پرخطر دارد.

**واژه‌های کلیدی:** رفتارهای پرخطر، سبک‌های دلبستگی،

نوجوانی، پسر، متوسطه دوم

## مقدمه

از دلبستگی دوسوگرا تمایل به داشتن عزت نفس پایین، وابستگی عاطفی و اتکای شدید به دیگران را دارند. در مقابل، بعد اجتنابی با درجه‌ای از ناراحتی در نزدیکی و وابستگی رابطه دارد و افراد با سطح بالایی از دلبستگی اجتنابی تمایل به سکوت در مورد شکل‌گیری روابط صمیمی دارند (گریفین، بارتلومو و پرلمن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴). از سمت دیگر، افراد با سبک‌های دلبستگی ایمن دارای ویژگی‌های مثبت در مهارت‌های فردی همانند: خودآگاهی<sup>۵</sup>، عزت نفس و آگاهی از خود می‌باشند؛ این افراد مهارت‌های درون فردی و اعتمادبه نفس بیشتری در مقابله با مشکلات دارند (ترکم<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲)، مستقل (گلمن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰) و خودجوش<sup>۹</sup> (باراون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶) بوده و از احساسات خودآگاه هستند (گلمن<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۰)، آن‌ها با احساسات منفی در تعاملات اجتماعی کنار می‌آیند (کوباک و اسکری<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۸) و دارای مهارت‌های تنظیم عواطف مثبت هستند (کوپر، شاور و کولینس<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۸) که این اثرات گسترده در طول سال‌های مدرسه ادامه می‌یابد.

پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی، به‌عنوان یک عامل تحول در شکل‌گیری شخصیت، تعیین‌کننده مهم هستند. در این راستا، کارلستون و سروف<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۵) معتقدند که سیستم دلبستگی سبب یکپارچه شدن مؤلفه‌های عاطفی، انگیزشی، شناختی و رفتاری می‌شود. همچنین، ناگوار تعدیل‌کنند و اثرات منفی تنش را کم‌رنگ‌تر جلوه دهند و دارای اهمیت پیش‌بینی‌کننده زیادی در بهداشت روانی هستند (لینلی و جوزف<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۴).

تحقیقات نشان داده است که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با افراد دارای سبک‌های دلبستگی نایمن از نظر سلامت روان‌شناختی و شایستگی‌های اجتماعی از شرایط بهتری برخوردار هستند (میکولینسر، هورش، ایلاتی و کوتلر<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۹؛ دی‌توماس، برانن مک‌نالتی، روس و برگس<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۳). سافورد<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۲) معتقد است دلبستگی با تجربه عواطف منفی مرتبط است و ممکن است افراد دارای

دلبستگی یکی از برجسته‌ترین مفاهیم روان‌شناسی معاصر است که به تکوین پیوندهای عاطفی اشاره دارد. بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) نظریه دلبستگی را با استفاده از دستاوردهای کردارشناسی، نظریه سبیرنتیک و اطلاعات، روان‌تحلیل‌گری، روان‌شناسی تجربی، نظریه‌های یادگیری، روان‌پزشکی و رشته‌های مرتبط ارائه نمود. بر اساس این دیدگاه، دلبستگی از طریق روابط اولیه شناختی با مراقبت‌کنندگان نوزادان شکل می‌گیرد و با توانایی فرد برای استنباط رفتار مراقبت‌کنندگان و پاسخ دیگران به نیازهایشان رابطه دارد. بارتولومو و هوروویتس<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) الگوی چهارگانه‌ای را مطرح کردند که مبنای آن دو محور اضطراب و اجتناب است. بارتولومو عنوان کرد دو نوع اجتناب متفاوت از صمیمیت وجود دارد، اجتناب ناشی از ترس از دیگران و اجتناب ناشی از نفی دیگران. در این الگو بارتولومو و هوروویتس لغت اجتناب را برداشتند و دو گروه ترسان و نفی‌کننده را جایگزین کردند. آن‌ها همچنین لغت مضطرب را با دل مشغول جایگزین ساختند. این چهار سبک دلبستگی تحت عنوان افراد ایمن، دل مشغول، ترسان یا اجتناب‌گر و نفی‌کننده مطرح شده‌اند. بر مبنای مشاهدات آینسورث، بلهار، واترس و وال<sup>۳</sup> (۱۹۸۷) واکنش‌های اضطراب کودکان و افراد غریبه می‌تواند به‌عنوان یکی از نقاط متمایز سبک‌های دلبستگی شناخته شود و هنگامی که مراقب کودک دوباره نزد کودک برمی‌گردد واکنش آنی کودک به مراقبش که وی را برای مدت کوتاهی ترک کرده است، معرف سبک دلبستگی است. بر این مبنای بود که آینس ورت پس از ده سال تحقیق و مشاهده مستمر، به سه نوع سبک دلبستگی دست یافت که به‌عنوان سبک‌های دلبستگی اجتنابی، ایمن و اضطراب / دوسوگرایی شناخته شده است.

بعد اضطراب / دوسوگرایی دلبستگی نشان‌دهنده عزت نفس پایین فرد و در نتیجه درجه اضطراب / هوشیاری فرد درباره طرد و رها کردن روابط است. افراد با سطح بالایی

1. Bowlby  
3. Ainsworth, Blehar, Waters & Wall  
5. self-consciousness  
7. Turkum  
9. self-actualized  
11. Goleman  
13. Cooper, Shaver & Colins  
15. Linley & Joseph  
17. DiTommaso, Brannen-McNulty, Ross & Burgess

2. Bartholomew & Horowitz  
4. Griffin, Bartholomew & Perlman  
6. self-awareness  
8. Goleman  
10. Bar-On  
12. Kobak & Sceery  
14. Carlston & Sroufe  
16. Mikulincer, Horesh, Eilati & Kotler  
18. Safford

سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رابطه و رفتار جنسی و گرایش به جنس مخالف (بویر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد که سبک‌های دلبستگی و رفتارهای پرخطر با یکدیگر مرتبط باشند. در این زمینه، الگوی مندر و هانتز<sup>۹</sup> (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که دلبستگی ناایمن ممکن است منجر به افزایش استفاده از «تنظیم‌کننده‌های بیرونی عواطف» به جای راهبردهای سالم‌تر شود. این فرایند منجر به افزایش رفتارهای پرخطر عامل همانند مصرف مواد، اختلال‌های خوردن و رفتارهای جنسی پرخطر می‌شود. طبق نظریه تعامل خانواده بروک، بروک، گوردن، وایت‌من و چن<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۰) دلبستگی عاطفی به والدین، یادگیری‌های اجتماعی و ویژگی‌های درون فردی نوجوانان، به‌طور مستقیم بر سوءمصرف مواد اثر می‌گذارند؛ پایه و اساس نظریه تعامل خانواده، ارتباط و پیوند قوی عاطفی میان والدین و کودک به‌ویژه ارتباط مادر و کودک است. به‌طور تجربی، داب، فلیتی، دانگ، گلیس و آندا<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳) نشان داده‌اند، بین قرار گرفتن در معرض تجربیات جانبی دوران اولیه کودکی و انواع رفتارهای پرخطر (به‌عنوان مثال، رفتارهای پرخطر جنسی، سیگار کشیدن و استفاده مشکل‌ساز الکل) در گروه‌های مختلف سنی، رابطه قوی وجود دارد و ناسازگاری سبک‌های دلبستگی ممکن است به افزایش این خطرات منجر شود (لاورز، توربرگ، دویی، هانگ و رگینالد<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۸). ابعاد دلبستگی اجتنابی نیز با محدودیت‌هایی همراه است و اجتناب از صمیمیت، مجموعه‌ای از رفتارهای پرخطر همانند داشتن رابطه جنسی با شرکای مختلف، استفاده زیاد از الکل، سیگار کشیدن و استفاده از کوکائین را منعکس می‌کند (وانگ‌خانچینگ، شر، جکسون و پارا<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۴).

در مجموع، یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که سبک دلبستگی می‌تواند در طیف وسیعی از رفتارهای پرخطر (آهرنس، سیکانوسکی و کاتن<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۲)، مصرف مواد (باهر، سازن، آناستازو و بینگدو و فمیلی<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۸)، رابطه جنسی

دلبستگی ناایمن در مقایسه با افراد دارای دلبستگی ایمن سطح بالاتری از عواطف منفی را تجربه کنند که وجود عواطف منفی موجب ارتباط دلبستگی ناایمن با رفتارهای پرخطر می‌شود. جیکولینس، کوپر، آلبینو و آلارد<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که سبک دلبستگی اجتنابی یک عامل خطرزا برای روابط زناشویی است. بلسکی<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) با تردید درباره نظریه بالبی و اینزورث درباره دلبستگی ایمن معتقد بود در برخی از محیط‌ها الگوهای دلبستگی اجتنابی و یا اضطرابی می‌توانند انطباقی‌تر باشند. ریگز، وس‌ویک و استالینز<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) معتقدند دلبستگی ارتباط مستقیمی با کیفیت برقراری روابط در افراد HIV<sup>+</sup> دارد که ممکن است نقش بسزایی را در سازگاری بیشتر با بیماری ایدز از طریق تأثیر بر توانایی جلب حمایت‌های اجتماعی بازی کند و سبب سازگاری بیشتر با بیماری می‌شود. کسیدی و شیور<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) معتقدند سبک دلبستگی ناایمن سبب ایجاد ترس و وحشت در افراد می‌شود. بری، باراکلوف و بردن<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) با انجام پژوهشی نشان دادند بین سبک دلبستگی ناایمن و مصرف سیگار، مشروبات الکلی و مصرف مواد رابطه مثبت وجود دارد.

یکی از زمینه‌هایی که در حال حاضر مورد مطالعه قرار می‌گیرد سهم و مشارکت سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان است. رفتارهای پرخطر رفتارهای بالقوه مخربی هستند که افراد به‌طور ارادی یا بدون اطلاع از پیامدهای نامطلوب احتمالی آن مرتکب می‌شوند (کروت و سمرز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بخش عمده‌ای از رفتارهای پرخطر از جمله مصرف سیگار، الکل، مواد مخدر و رفتارهای جنسی ناایمن در سنین قبل از ۱۸ سالگی شروع می‌شود (برگمن و اسکات<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱). مفهوم رفتارهای پرخطر سلسله‌ای از رفتارها را در برمی‌گیرد که نه‌تنها برای فرد درگیر در این رفتار و افراد مهم زندگی وی زیان‌های جدی به بار می‌آورد، بلکه باعث صدمه غیرعمدی به افراد دیگر می‌شود. رایج‌ترین رفتارهای پرخطر عبارت‌اند از خشونت،

1. Gcollins, Cooper, Albino &amp; Allard

3. Riggs, Vosvick &amp; Stallings

5. Berry, Barrowclough &amp; Wearden

7. Bergman &amp; Scott

9. Maunder &amp; Hunter

11. Dube, Felitti, Dong, Giles &amp; Anda

13. Vungkhanching, Sher, Jackson &amp; Parra

15. Bahr, Suzanne, Anastasios, Bingdao &amp; Family

2. Belsky

4. Cassidy &amp; Shaver

6. Corte &amp; Sommers

8. Boyer

10. Brook, Brook, Gordon, Whiteman &amp; Chen

12. Lyvers, Thorberg, Dobie, Huang &amp; Reginald

14. Ahrens, Ciechanowski &amp; Katon

### ابزار پژوهش

مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی IARS<sup>۱</sup> (زاده‌محمدی، احمدآبادی و حیدری، ۱۳۹۰): این پرسشنامه ۳۸ ماده دارد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت (کاملاً موافق = ۵، تا کاملاً مخالف = ۱) سنجیده می‌شود. این پرسشنامه ۷ زیرمقیاس رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رابطه و رفتار جنسی و گرایش به جنس مخالف را شامل می‌شود. دو نمونه از سؤالات این مقیاس عبارت‌اند از "معمولاً زود از کوره در می‌روم و دعوا راه می‌اندازم؛ در بین دوستان نزدیک من کسانی هستند که مواد مخدر مصرف کنند". زاده‌محمدی و همکاران (۱۳۹۰) اعتبار این مقیاس را به روش همسازی درونی<sup>۲</sup> و با کمک آلفای کرونباخ و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی<sup>۳</sup> مورد بررسی قرار دادند؛ آزمون KMO<sup>۴</sup> برابر با ۰/۹۴۹ و در سطح بسیار مطلوب و رضایت‌بخش بود و آزمون کرویت بارتلت<sup>۵</sup> از نظر آماری معنادار بود. همچنین میزان اعتبار کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های آن در سطح مطلوب و مناسبی بود به‌صورتی که آلفای کرونباخ برای مقیاس کلی ۰/۹۳، خشونت ۰/۸۷، رانندگی خطرناک ۰/۷۴، سیگار کشیدن ۰/۹۳، مصرف مواد مخدر ۰/۹۰، مصرف الکل ۰/۹۰، رابطه و رفتار جنسی ۰/۸۷ و گرایش به رابطه با جنس مخالف ۰/۸۳ به‌دست‌آمده است. به دست آمد (زاده‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۴ و برای زیرمقیاس‌های رانندگی خطرناک ۰/۸۹، خشونت ۰/۹۲، سیگار کشیدن ۰/۸۶، مصرف مواد مخدر ۰/۸۴، مصرف الکل ۰/۹۰، رابطه و رفتار جنسی ۰/۷۱ و گرایش به جنس مخالف ۰/۷۶ به دست آمد است که نشان می‌دهد پرسش‌های آزمون از هماهنگی درونی خوبی برخوردار است.

دو نمونه از گویه‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: «من از سرعت زیاد لذت می‌برم»، «در بین دوستان نزدیک من کسانی هستند که مواد مخدر مصرف کنند».

پرسشنامه سبک دلبستگی<sup>۶</sup> (کولینز<sup>۷</sup> و رید<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰ نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰): این پرسشنامه شامل خودارزیابی از

ناسالم (کیسلا، رابرتز و هویت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴) و الکلیسم (کاسپرس، کادورت، لانگ‌بهن، یوسیس و تروت‌من<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵) نقش داشته باشد. بر همین اساس، با توجه به علمی بودن مسئله مورد بررسی، درگیر بودن جمعیتی بزرگ، پرنفوذ و سرنوشت‌ساز و پرکردن شکاف موجود، نبود پژوهش جامع درباره رابطه سبک‌های دلبستگی با رفتارهای پرخطر در نوجوانان ایرانی و تناقضات و ناهمسانی موجود در تحقیقات خارج از کشور هدف از این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رفتارهای پرخطر در نوجوانان می‌باشد. در این مطالعه، سه فرضیه به شرح زیر مطرح بود: ۱- سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده معکوس رفتارهای پرخطر است، ۲- سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا پیش‌بینی‌کننده مستقیم رفتارهای پرخطر است و ۳- سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی پیش‌بینی‌کننده مستقیم رفتارهای پرخطر است.

### روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: این پژوهش با توجه به متغیرهای موجود و عدم دست‌کاری آن‌ها به طرح‌های همبستگی تعلق دارد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه‌های اول، دوم و سوم مقطع تحصیلی متوسطه شهرستان نجف‌آباد در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بودند که شامل ۲۵۷۰ نفر بودند. برای انتخاب نمونه معرف و دقیق از روش نمونه‌برداری تصادفی خوشه چندمرحله‌ای استفاده شد که در آن از کلاس، مدرسه یا منطقه آموزشی به‌جای فرد به‌عنوان واحد نمونه‌گیری استفاده می‌شود و در آن به‌جای افراد گروه‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب می‌شوند (دلاور، ۱۳۹۴). بدین ترتیب که ابتدا به شیوه تصادفی از بین مدارس آموزش‌وپرورش شهرستان نجف‌آباد ۱۰ دبیرستان پسرانه انتخاب شد. سپس، از بین مدارس انتخاب‌شده به شیوه تصادفی ۳۰ کلاس (از هر پایه تحصیلی یک کلاس) انتخاب شد و سپس از هر کلاس ۱۰ نفر به‌صورت تصادفی انتخاب شد که پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص ۲۷۴ نفر به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. میانگین سنی شرکت‌کننده‌ها ۱۳/۲۴ با انحراف استاندارد ۲/۳۶ بود در مطالعه حاضر از ابزارهای زیر استفاده شد.

1. Ciesla & Roberts & Hewitt  
3. Iranian Adolescents Risk-taking Scale  
5. Principle Component Analysis  
7. Bartlett Test of sphericity  
9. Collins, N. L.

2. Caspers, Cadoret, Langbehn, Yucuis & Troutman  
4. Internal Consistency  
6. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy  
8. Attachment Style Scale  
10. Read, S. J.

اضطرابی دوسوگرا ۰/۷۷ است که نشان می‌دهد پرسش‌های آزمون از هماهنگی درونی خوبی برخوردار است. دو نمونه از گویه‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: «ایجاد ارتباط با دیگران برایم آسان است»، «به خودم اجازه نمی‌دهم که به دیگران وابسته شوم».

### روش اجرا

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات ابتدا برای دانش‌آموزانی که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند هدف پژوهش توضیح داده شد و از آن‌ها خواسته شد که پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی و رفتارهای پرخطر را با دقت تکمیل نمایند و سؤالی را تا حد امکان بی‌جواب نگذارند. سرانجام داده‌های جمع‌آوری شده از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری به شیوه گام‌به‌گام مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی نقش سبک‌های دلبستگی در مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری به شیوه گام‌به‌گام استفاده شد. بدین منظور، در تمام معادلات ابتدا پیش‌فرض‌های استفاده از مدل رگرسیون از طریق آزمون دوربین/واتسون<sup>۱</sup> برای بررسی استقلال خطاها، آزمون هم‌خطی<sup>۲</sup> با دو شاخص ضریب تحمل<sup>۳</sup> و عامل تورم واریانس (VIF)<sup>۴</sup> و آزمون کلموگروف/اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع مورد بررسی قرار گرفت. در جدول ۱ نتایج آزمون‌های دوربین/واتسن و کلموگروف/اسمیرنف مشاهده می‌شود.

مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است. این پرسشنامه ۱۸ ماده دارد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت (به‌هیچ‌وجه با خصوصیات من تطابق ندارد = ۱ تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد = ۵) سنجیده می‌شود. این پرسشنامه ۳ زیرمقیاس وابستگی، نزدیک بودن و اضطراب را شامل می‌شود. دو نمونه از سؤالات این پرسشنامه عبارت‌اند از «ایجاد ارتباط با دیگران برایم آسان است؛ به خودم اجازه نمی‌دهم که به دیگران وابسته شوم».<sup>۵</sup> کولینز و رید (۱۹۹۰) نقل از پاکدامن، (۱۳۸۰) بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. زیرمقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی دوسوگرا مطابقت دارد و زیرمقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد؛ بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن است و زیرمقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. زیر مقیاس نزدیکی یا ایمن با ۶ سؤال ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۷ و زیرمقیاس وابستگی یا اجتنابی با ۶ سؤال ۳، ۴، ۷، ۱۵، ۱۶، ۱۸ و زیرمقیاس اضطراب یا اضطرابی دوسوگرا با ۶ سؤال ۲، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۳ سنجیده می‌شود (پاکدامن، ۱۳۸۰). پاکدامن (۱۳۸۰) ضریب اعتبار این مقیاس بر اساس شیوه بازآزمایی در مورد ۱۰۵ دختر و پسر در شهر تهران ۰/۹۷ و روایی آن ۰/۵۶ گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۲ و برای زیرمقیاس‌های ایمن ۰/۸۹، اجتنابی ۰/۸۱،

جدول ۱. مقادیر عددی آزمون دوربین/واتسون و کلموگروف/اسمیرنف برای بررسی استقلال خطاها و نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیر ملاک	آزمون دوربین/واتسون	آزمون کلموگروف/اسمیرنف	سطح معناداری
رانندگی خطرناک	۱/۱۱	۱/۲۴	۰/۳۹
خشونت	۱/۲۶	۰/۹۸	۰/۷۹
سیگار کشیدن	۰/۷۹	۰/۹۳	۰/۷۳
مصرف مواد	۰/۵۹	۰/۸۸	۰/۶۹
مصرف الکل	۱/۴۶	۱/۴۵	۰/۲۲
دوستی با جنس مخالف	۰/۸۶	۱/۰۹	۰/۳۰
رابطه و رفتار جنسی	۱/۲۵	۰/۹۵	۰/۷۸

1. Durbin- Watson  
3. Tolerance

2. Collinearity  
4. Variance Inflation Factor (VIF)

با توجه به داده‌های جدول ۱ می‌توان گفت که مقادیر عددی آزمون دوربین/ واتسن و کلموگرف/ اسمیرنوف بیانگر استقلال خطاها و نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد بررسی است. سایر مشخصه‌های رگرسیون برای بررسی نقش سبک‌های دل‌بستگی در مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. مشخصه‌های آماری رگرسیون گام به گام سبک‌های دل‌بستگی بر مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر (n=۲۷۴)

متغیر ملاک	گام	متغیر پیش‌بین	R	R <sup>2</sup>	F	Beta	T
رانندگی خطرناک	اول	دل‌بستگی ایمن	۰/۲۰	۰/۰۴	***۹/۹۹	-۰/۲۰	**۳/۱۶
خشونت	اول	دل‌بستگی ایمن	۰/۲۵	۰/۰۶	***۱۶/۳۴	-۰/۲۵	***۴/۰۳
سیگار کشیدن	اول	دل‌بستگی ایمن	۰/۲۹	۰/۰۸	***۲۲/۲۲	-۰/۲۹	***۴/۷۱
مصرف مواد	دوم	دل‌بستگی ایمن	۰/۳۵	۰/۱۳	***۱۷/۶۳	-۰/۳۲	***۵/۳۵
		دل‌بستگی اجتنابی				۰/۱۷	**۲/۸۶
مصرف الکل	اول	دل‌بستگی ایمن	۰/۳۴	۰/۱۱	***۳۱/۸۷	-۰/۳۴	***۵/۶۴
		دل‌بستگی ایمن				-۰/۱۹	***۳/۰۳
دوستی با جنس مخالف	دوم	دل‌بستگی دوسوگرا	۰/۲۵	۰/۰۶	***۸/۱۲	۰/۱۷	**۲/۷۲
		دل‌بستگی ایمن				-۰/۱۸	***۲/۹۶
	سوم	دل‌بستگی دوسوگرا	۰/۲۸	۰/۰۸	***۷/۰۵	۰/۲۰	***۳/۱۴
		دل‌بستگی اجتنابی				۰/۱۴	***۲/۱۶
رابطه و رفتار جنسی	اول	دل‌بستگی دوسوگرا	۰/۲۳	۰/۰۵	***۱۳/۴۷	۰/۲۳	***۳/۷۱
	دوم	دل‌بستگی دوسوگرا	۰/۳۲	۰/۱۰	***۱۳/۶۶	۰/۲۴	***۳/۸۸
		دل‌بستگی ایمن				-۰/۲۲	***۳/۵۹

بنابراین فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین نتایج نشان داد سبک دل‌بستگی اجتنابی مؤلفه‌های رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن و رابطه و رفتار جنسی را به صورت معنی‌داری پیش‌بینی نمی‌کند.

نتایج نشان داد سبک دل‌بستگی دوسوگرا مؤلفه دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی را به ترتیب با تبیین ۶ و ۵ درصد واریانس آن‌ها مورد پیش‌بینی قرار داده است؛ بنابراین فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین نتایج نشان داد سبک دل‌بستگی دوسوگرا مؤلفه‌های رانندگی خطرناک، خشونت، مصرف مواد و سیگار کشیدن را به صورت معنی‌داری پیش‌بینی نمی‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی با رفتارهای پرخطر در نوجوانان بود. نتایج نشان داد بین سبک دل‌بستگی ایمن و هر هفت مؤلفه رفتارهای پرخطر (خشونت،

شاخص‌های هم‌خطی ضرایب تحمل (۰/۵۵ تا ۱/۰۴) و عامل تورم واریانس (VIF) با دامنه ۰/۴۱ تا ۱/۳۸ نشان داد که بین متغیرهای پیش‌بین، هم‌خطی وجود ندارد و نتایج حاصل از مدل رگرسیون قابل اتکا است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که سبک دل‌بستگی ایمن مؤلفه‌های رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن و مصرف الکل رفتارهای پرخطر را به ترتیب با تبیین ۴، ۶، ۸ و ۱۱ درصد واریانس آن‌ها به صورت منفی مورد پیش‌بینی قرار داده است (p < ۰/۰۵)؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین نتایج نشان داد سبک دل‌بستگی ایمن مؤلفه‌های مصرف مواد، دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی را به صورت معنی‌داری پیش‌بینی نمی‌کند.

نتایج نشان داد سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی مؤلفه‌های مصرف مواد و دوستی با جنس مخالف را به ترتیب با تبیین ۱۳ و ۸ درصد واریانس آن‌ها مورد پیش‌بینی قرار داده است؛

می‌باشد. این بدان معنی است که افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی تمایل بیشتری به مصرف مواد مخدر دارند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت اگرچه عوامل شروع مصرف مواد ممکن است یک کنجکاو ساده باشد اما تداوم آن با سبک دلبستگی ارتباط دارد؛ جدایی از منبع ایمنی می‌تواند سبب گسستگی ارتباط فرد با منابع انسانی اطراف و گرایش او به مصرف مواد برای فرار از ترس‌ها، اضطراب‌ها و پناه بردن به رؤیایا باشد و مشابه با شرایط جدایی از مادر در هنگام مواجه با مشکل چون نیاز به ایمنی‌جویی در افراد افزایش می‌یابد، فرآیند جستجوی فعال مجدداً بروز می‌کند و فرد برای فرار یا تسکین خود به مصرف مواد گرایش می‌یابد (خستو، ۱۳۸۱). در همین راستا هاوکینز، میلر و کاتالانو<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) معتقدند نوجوان از مصرف مواد مخدر به منزله راهی برای مقابله با مشکلات، احساسات منفی و موقعیت‌های فشارزا استفاده می‌کنند. همچنین می‌توان گفت افرادی که دارای سبک دلبستگی اجتنابی هستند تمایل به تأکید بر خودکفایی و استقلال دارند و بنابراین ممکن است بر استراتژی‌های مقابله‌ای ناسازگارانه‌ای تکیه کنند که نیاز به انجام دادن رفتارهای نامناسب دیگر همانند مصرف مواد و سیگار برای تنظیم احساسات منفی دارند (مندر و هانتز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹).

درباره عدم رابطه سبک دلبستگی اجتنابی با شش مؤلفه دیگر رفتارهای پرخطر می‌توان گفت احتمالاً ویژگی‌های آرمانگرایی و اعتماد به خود جبرانی در شخصیت‌های اجتنابی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که از موقعیت‌های تعارضی اجتناب کرده (میکسونر، هورس، ایلاتی و کوتلر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸) و احتمالاً سبب می‌شود که کمتر سراغ رفتارهای پرخطر دیگر به جزء مصرف مواد بروند.

سبک دلبستگی اضطرابی / دوسوگرا با مؤلفه‌های رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن، دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی رفتارهای پرخطر همبستگی مثبت و معنادار دارد. این نتایج همسو با یافته‌های (بری، بارولوف و وردن، ۲۰۰۷؛ حجت، گولنا، منگوییس، ماسکا و مگ، ۲۰۰۳) می‌باشد و در تناقض با یافته‌های (کاسپرس، کادورت، لانگهان، یوکیس و تروتمن، ۲۰۰۵) می‌باشد. بری

سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رابطه و رفتار جنسی و گرایش به جنس مخالف) همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد. این نتایج همسو با یافته‌های (کاسل، واردل و روبرتز، ۲۰۰۷؛ دی‌توماس و همکاران، ۲۰۰۳؛ کارنز و آدامز، ۲۰۰۲؛ باهر و همکاران، ۱۹۹۸) می‌باشد و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دارای دلبستگی ایمن به احتمال کمتری رفتارهای پرخطر از خود نشان می‌دهند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که بر اساس نظر بالبی سبک دلبستگی ایمن موجب شکل‌گیری خودپنداره مثبت در افراد می‌شود و این خودپنداره مثبت به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در زمان برخورد با شرایط تنش‌زا، کنترل شناختی و هیجانی خود را از دست ندهند و بتوانند شرایط تنش‌زا را در کنترل خود درآورده و از راهبردهای حمایت‌جویانه استفاده کنند. درواقع، این افراد به دلیل اعتماد به توانایی و قدرت فردی خود بر شرایط تنش‌زا غلبه کرده و با کنترل منابع تنش و آشفتگی از سلامت روان بهتری برخوردار هستند (فلیشمن و فوگل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴) و کمتر به سمت انجام رفتارهای پرخطر گرایش دارند.

به‌عبارت‌دیگر، ویژگی‌های مثبت افراد دلبسته ایمن سبب می‌شود نیازی به بروز رفتارهای پرخطر از خود نداشته باشند؛ اعتماد به خود و اعتماد به دیگران دو ویژگی اساسی افراد ایمن به شمار می‌رود که اعتماد به خود، به افراد این توانایی را می‌دهد که در روابط بین‌شخصی با مهارت، اطمینان و آرامش بیشتری به تعامل بپردازد و اعتماد به دیگران آن‌ها را در جلب حمایت دیگران یاری می‌رساند (کسیدی و شاور، ۲۰۰۸)؛ همچنین توان اکتشاف‌گری، انعطاف‌پذیری و جسارت لازم را در روابط بین‌شخصی در اختیار این افراد قرار می‌دهد و نزدیکی سبب می‌شود فرد پیوسته در جستجوی ارضا باشد و بنابراین رفتارهای پرخطر کمتری از خود نشان دهد.

نتایج پژوهش نشان داد سبک دلبستگی اجتنابی فقط با مؤلفه مصرف مواد رفتارهای پرخطر همبستگی مثبت دارد. این نتایج همسو با یافته‌های (کیم و همکاران، ۲۰۱۲؛ شیندلر، توماسیس، ساک، گیم‌هارد، کوسنر و ایکرت، ۲۰۰۵؛ کیسلا، رابرتز و هویت، ۲۰۰۴؛ جیکولینس و همکاران، ۲۰۰۲)

1. Fleishman & Fogel  
3. Maunder & Hunter

2. Hawkins, Miller & Catalano  
4. Mikulincer, Horeh, Eilati & Kotler

در شکل‌گیری رفتارهای پرخطر بازی می‌کنند به‌صورتی که میانجیگری والدین می‌تواند رفتارهای پرخطر را کاهش دهد، درحالی‌که نفوذ دوستان می‌تواند آن را افزایش دهد.

نتایج رگرسیون چندمتغیری به شیوه گام‌به‌گام نشان داد که سبک دلبستگی ایمن می‌تواند مؤلفه‌های رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف الکل، مصرف مواد، دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی را به‌صورت منفی پیش‌بینی نماید. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی می‌تواند مؤلفه مصرف مواد و دوستی با جنس مخالف را پیش‌بینی نماید و سبک‌های دلبستگی دوسوگرا مؤلفه دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی را پیش‌بینی می‌کند که با توجه به همبستگی‌های گزارش شده بین متغیرهای فوق‌الذکر این پیش‌بینی‌ها منطقی به نظر می‌رسد.

به‌صورت کلی و بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت خانواده و مشخصاً شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکی نقش بسیار مهم و کلیدی در بروز و یا پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان را به عهده دارد؛ لذا آماده ساختن فرد برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی یکی از وظایف اجتماعی پدر و مادر است و کیفیت روابط خانوادگی و دلبستگی تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی افراد بر جای می‌گذارد؛ بنابراین، می‌توان گفت والدین با برقراری دلبستگی ایمن با فرزندان می‌توانند فرزندان شایسته و سالم به بار آورند. همچنین رسانه‌ها با تبلیغات و بروشورها و مدارس با برگزاری کلاس‌های آموزشی برای والدین و آموزش شیوه‌های شکل‌دهی دلبستگی ایمن می‌توانند موضوع را برای خانواده‌ها شفاف‌سازی نموده و یاریگر آن‌ها باشند.

نتیجه این پژوهش با تأکید بر اهمیت شکل‌گیری دلبستگی در دوران کودکی و تأثیر آن بر رشد و سلامت روان در بزرگسالی می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای انجام مشاوره‌های روان‌شناسی در این زمینه باشد و از نتایج این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که باید دوره‌های آموزشی در رابطه با اهمیت دلبستگی در کودکان و مراقبت از کودکان ارائه داده شود؛ به‌عبارت‌دیگر از آنجایی که رفتارهای پرخطر عامل بسیاری از موارد مرگ‌ومیر در سنین نوجوانی و اوایل بزرگسالی را

و همکاران (۲۰۰۷) با انجام پژوهشی نشان دادند بین سبک دلبستگی نایمن و مصرف سیگار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در مقابل، کاسپرس و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان دادند دلبستگی نایمن اضطرابی با نوشیدن مشروبات الکلی و استفاده از مواد مخدر رابطه دارد. آن‌ها نشان دادند که ارتباط معناداری بین بازنمایی‌های دلبستگی و گزارش‌های مبتنی بر مصرف مواد در نمونه‌های غیر بالینی وجود داشته و میزان مصرف مواد در میان افرادی که به‌عنوان سبک دلبستگی نایمن اضطرابی طبقه‌بندی می‌شوند در مقایسه با گروه دارای سبک دلبستگی ایمن بیشتر است.

ویژگی‌های اصلی دوسوگراها یعنی تردید، تعارض، تخاصم، درماندگی، آشفتگی و تکانشوری آن‌ها را به شدت در معرض درگیری، تضاد و درماندگی قرار می‌دهد (میکسونر و همکاران، ۱۹۹۹). در افراد دوسوگرا فقدان اعتماد به خود با تحلیل بنیادهای درون‌روانی، توان رویارویی با موقعیت‌های استرس‌زا را کاهش می‌دهد و درماندگی روان‌شناختی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند که این پریشانی و درماندگی که به نوبه خود برحسب تجربه‌های نامطلوب به احساس حقارت و اضطراب شخص دامن می‌زند ناتوانی وی را در ایجاد روابط بین شخصی سالم و گرایش به رفتارهای پرخطر توجیه می‌کند.

در تبیین این نتایج شاید بتوان بیان داشت که افراد دوسوگرا از رفتارهای پرخطر برای سرکوب کردن و چیره شدن بر طغیان درونی خود به کار می‌برند. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که رفتارهای پرخطر این افراد سبب می‌شود که از جانب دوستان و همتایان مثبت که در رویارویی با مشکلات و مسائل زندگی واکنشی معقولانه و خویش‌دارانه نشان می‌دهند طرد شده و همین امر سبب پیوستن آن‌ها به گروه‌های منحرف گردد که این نیز به نوبه خود می‌تواند زمینه مساعدی را برای گرایش بیشتر به سمت رفتارهای پرخطر فراهم نماید. در همین راستا، نیکن و دی‌گراف<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) و گو و ناتانسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) نشان داده‌اند که در دوران نوجوانی دو دسته از عوامل مهم اجتماعی (والدین و دوستان) می‌تواند رفتارهای پرخطر را تحت تأثیر قرار دهند؛ آن‌ها معتقدند والدین و دوستان نقش مخالفی را



در نوجوانی باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود به پایش منظم رفتار دلبستگی و رفتارهای پرخطر پرداخته شود تا بتوان برنامه پیشگیری و مداخله مناسب برای مدیریت چنین رفتارهایی طراحی نمود. پیشنهاد می‌شود پژوهشی در سطح ملی در زمینه شناخت و بررسی علل و عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخطر با تمرکز بر رفتارهای دلبستگی انجام گرفته شود.

### منابع

- پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. رساله دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- خستو، گ. (۱۳۸۱). پیشگیری از سوء مصرف مواد و وابستگی با رویکرد اجتماع‌مدار. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۲(۶)، ۲۶۲-۲۳۵.
- دلاور، ع. (۱۳۹۴). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی (ویراست چهارم). انتشارات ویرایش، ص ۹۶.
- زاده‌محمدی، ع.، احمدآبادی، ز.، حیدری، م. (۱۳۹۰). تدوین و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران. ۱۷(۳)، ۲۱۸-۲۲۵.
- Ahrens, K. R., Ciechanowski, P., & Katon, W. (2012). Association's between adult attachment style and health risk behaviors in an adult female primary care population. *Journal of Psychosomatic Research*, 72, 364-370.
- Ainsworth, M., Blehar, M., Waters, E., & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Bahr, S. J., Suzanne, L., Anastasios, C., Bingdao, L. Family. (1998). religiosity and the risk of adolescent drug use. *Journal of Marriage and the Family*, 6, 979-992.
- Bar-On, R. (2006). The Bar-On model of emotional-social intelligence (ESI). *Psychothema*, 18(1), 13-25.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-241.
- Bergman, M. M., & Scott. (2001). Young adolescents well-being and health-risk behaviors: Gender and socioeconomic difference. *Journal of Adolescents*, 24, 1831-197.
- Berry K, Barrowclough C, Wearden A. (2007). A review of the role of adult attachment style in psychosis: Unexplored issues and questions for further research. *Clin Psychol Rev*, 27(4), 458-75.
- Bowlby, J. (1988). *A secure base: parent-child attachment and healthy human development*. New York, NY US: Basic Books.

تشکیل می‌دهند (لیندبرگ و بوگست و ویلیامز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰) که قابل پیشگیری و کنترل هستند و با عنایت به صدمات و خسارات جبران‌ناپذیری که هر یک از رفتارهای پرخطر به دنبال دارند و از آنجایی که اقدامات تغییر رفتار در سطح فردی و اجتماعی طولانی‌مدت و پرهزینه است، به نظر می‌رسد پیشگیری آن هم در دوران کودکی و در زمان شکل‌گیری دلبستگی، بهترین رویکرد برای کاهش رفتارهای پرخطر در سطح جامعه باشد.

محدودیت‌های پژوهش احتیاط‌هایی را در مورد تفسیر یافته‌های پژوهش و تعمیم یافته‌ها می‌طلبد. با توجه به اینکه شرکت‌کنندگان در این پژوهش همگی نوجوانان شهرستان نجف‌آباد بودند، لذا ممکن است بافت فرهنگی شهر در نتایج این مطالعه مؤثر بوده باشد. همچنین دامنه سنی محدود و جنسیت (مذکر) شرکت‌کنندگان تعمیم یافته‌های مذکور را با محدودیت مواجه می‌نماید. همچنین از آنجایی که مطالعه حاضر تنها جامعه دانش‌آموزان را در برمی‌گیرد، آن دسته از نوجوانان که ترک تحصیل کرده‌اند و یا در مدارس حضور ندارند را پوشش نمی‌دهد؛ درحالی‌که برخی مطالعات نشان داده‌اند که شیوع رفتارهای پرخطر در نوجوانانی که ترک تحصیل کرده و یا دوران دبیرستان را به اتمام رسانده‌اند، بیشتر از سایر نوجوانان است؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات بعدی، جامعه آماری مورد مطالعه به کل نوجوانان جامعه گسترش یافته و مناطق وسیع‌تری از جامعه با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متنوع‌تر را تحت پوشش قرار گیرند تا نتایج مطالعه قابلیت تعمیم بیشتری یابد. همچنین انتظار می‌رود در صورت نمونه‌گیری وسیع، تابع تشخیص هر یک از انواع رفتار پرخطر با یکدیگر تفاوت داشته باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی با فراهم ساختن حجم نمونه کافی در هر یک از حوزه‌های رفتار پرخطر، به بررسی این مسئله در مورد هر یک و مقایسه آن‌ها با یکدیگر پرداخته شود.

از آنجایی که سبک دلبستگی در دوران کودکی نقش مهمی در نوجوانی و ادامه زندگی ایفا می‌کند به نظر می‌رسد مهم‌ترین کاربرد عملی این پژوهش اصلاح سبک زندگی و آموزش نحوه شکل‌گیری دلبستگی ایمن و روش‌های صحیح برقراری ارتباط با کودک برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر

- Boyer, T. W. (2006). The development of risk-taking: Anultiperspective review. *Dev Rev, 26*, 291-345.
- Brook, J. S., Brook, D. W., Gordon, A. S., Whiteman, M., & Chen, P. (1990). The psychosocial etiology of adolescent drug use: A family interactional approach. *Genetic, Social and General Psychology Monographs, 116* (2), 111-267.
- Carlston, E. A., & Sroufe, L. A. (1995). *Contribution of attachmenttheory to development*. New York: Wiley.
- Carnes, P., & Adams, K. M. (1998). *Clinical management ofsex addiction*. London: Routledge.
- Caspers, K. M., Cadoret, R. J., Langbehn, D., Yucuis, R., & Troutman, B. (2005). Contributions of attachmentstyle and perceived social support to lifetime use of illicit substances. *Addict Behav, 30*, 1007-1017.
- Cassidy, J., & Shaver. P. R. (2008). *Handbook of attachment: Theory, research and clinical applications*. NewYork, London: Guilford, 101-200.
- Ciesla, J. A., Roberts, J. E., Hewitt, R. G. (2004). Adult attachment and high-risk sexual behavioramong HIV-positive patients. *J ApplSocPsychol, 34*:108-24.
- Collins, V. L., & Read, S. J. (1990). *Adult attachment: Working models relationship quality in dating couples. Journal of personality and social psychology, 58*(4), 644-663.
- Cooper, M. L., Shaver, P. R., & Colins V. L. (1998). Attachment styles, emotionregulation, and adjustment in adolescence. *Journal of Personality and SocialPsychology, 74*(5), 1380-1397.
- Corte, C. M., & Sommers, M. S. (2005). Alcohol and Risky Behaviors. *Annual Review of Nursing Research, 23*, 327-360.
- DiTommaso, E., Brannen-McNulty, C., Ross, L., & Burgess, M. (2003). Attachment styles, social skills andloneliness in young adults. *PersIndivid Dif, 35*(2), 303-312.
- Dube, S. R., Felitti, V. J., Dong, M., Giles, W. H., & Anda, R. F. (2003). The impact of adverse childhoodexperiences on health problems: evidence from four birth cohorts dating back to1900. *Prev Med Sep, 37*(3), 268-277.
- Fleishman, J. A., & Fogel, B. (1994). Coping and depressive symptoms among young people with AIDS. *Health Psychol, 13*, 156-69.
- Gcollins, N. L., Cooper, L. M., Albino, A., & Allard, (2002). Psychosocial vulnerabilityfrom adolescence to adulthood: A prospective study of attachment style differencesin relationship functioning and partner choice. *Journal of Psychology, 10*(6), 965-1008.
- Goleman, D. (2000). *Duygusalzeki (17.Basim)*. Istanbul: VarhkYaymlari.
- Griffin, D. W., Bartholomew, K., Perlman, D. (1994). *The metaphysics of measurement: thecase of adult attachment. Attachment processes in adulthood*. London England: Jessica Kingsley Publishers: p, 17-52.
- Guo, W., & Nathanson, A. (2011). The effects of parental mediation on sexual content on the sexual knowledge, attitudes and behaviors of the US. *Journal of Children and Media, 5*, 358-378.
- Hawkins, D., Miller, J., & Catalano, F. (1992). Risk and Protective Factor for alcohol and other Drug problems in adolescence and early adulthood. *Journal of psychological Bulletin, 112*, 225- 25.
- Hojat, M., Gonnella, J. S., Mangione, S., Nasca, T. J., & Magee, M. (2003). Physician empathy in medicaleducation and practice: Experience with the Jefferson Scale of Physician Empathy. *Seminars inIntegrative Medicine, 1*, 25-41.
- Kassel, J. D., Wardle, M., & Roberts, J. E. (2007). Adult attachment security and college student substance use. *Addictive Behaviors, 32*, 1164-1176.
- Kobak, R. R., & Sceery, A. (1988). Attachment in late adolescence: Working models, affect regulation, and perceptions of self and others. *Child Development, 59*, 135-146.
- Lindberg, L. D., Boggess, S., & Williams, S. (2000). *Multiple Threat: The Co-occurrence of Teen Health Risk Behaviors*. The Urban Institute.
- Linley, P. A., & Joseph, S. (2004). Positive change following trauma and adversity: A review. *J Trauma Stress, 17*, 11-21.
- Lyvers, M., Thorberg, F. A., Dobbie, A., Huang, J., Reginald, P. (2008). Mood and interpersonalfunctioning in heavy smokers. *J Subst Use, 13*, 308-318.
- Mauder, R. G., Hunter, J. J. (2009). Assessing patterns of adult attachment in medical patients. *Gen Hosp Psychiatry, 31*, 123-130.
- Mikulincer, M., Horesh, N., Eilati, H., & Kotler, M. (1999). The association between adult attachment style and mental health in extreme life-endangering conditions. *PersIndividDif, 27*, 831-42.
- Nikken, P., & deGraaf, H. (2013). Reciprocal relationship between friends' and parental mediation of adolescents' media use and their sexual attitudes and behavior. *Journal of Youth and Adolescence, 42*, 1696-1707.
- Riggs, S. H., Vosvick, M., & Stallings, S. (2007). Attachment style, stigma andpsychological distress among HIV+ adults. *J Health Psychol, 12*(6), 922-936.
- Safford, S. M. (2002). *The relationship of attachment style and cognitive style to depression, anxiety and negative affectivity*. Ph. D. Dissertation. Temple University.
- Schindler, A., Thomasius, R., Sack, P. M., Gemeinhardt, B., Ku stner, U. J., &
- Türküm, A. S. (2002). Stresle başa çıkma ölçeğinin geliştirilmesi: Geçerlik ve güvenilirlik çalışmaları. (*Article in Turkish*), *Türk Psikolojik Danışma ve Rehberlik Dergisi, 2*, 25-34.
- Vungkhanching, M., Sher, K. J., Jackson, K. M., & Parra, G. R. (2004). Relation of attachment style tofamily history of alcoholism and alcohol use disorders in early adulthood. *Drug Alcohol Depend, 75*, 47-5.